

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

صفحات: ۲۹ - ۵۲

تأملی سازه‌انگارانه بر نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر خودکفایی دفاعی

علی آجورلو

دانشجوی دکتری علوم سیاسی (سیاستگذاری عمومی)، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مجتبی مقصودی*

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

سیاست دفاعی هر کشوری، برآیند عوامل مختلف کمی و کیفی داخلی و خارجی است. علاوه بر تهدیدهای نظامی خارجی و متغیرهای فیزیکی داخلی؛ نظیر ساختار سیاسی - نظامی، بودجه دفاعی، سلاح و تجهیزات، تعداد جمعیت کشور و استعداد نیروی انسانی نظامی، متغیرهای غیرفیزیکی متعددی؛ همانند باورها، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و تجربیات تاریخی نیز در شکل‌گیری آن نقش‌آفرین هستند. تأمل در رفتارهای دفاعی، توجه به اسناد بالادستی و تعمق در اندیشه حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) بیان‌گر این است که؛ «دفاع همه جانبه» مفهوم کانونی دفاع در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و «تدافعی»، «مردمی»، «خودکفا»، «اکتفا به سلاح‌های متعارف» و «تهضت‌گرایی» از مهمترین جهت‌گیری‌های سیاست دفاعی این کشور در چهار دهه گذشته به شمار می‌روند. بررسی نقش هویت در شکل‌گیری خودکفایی دفاعی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران، هدف اصلی این مقاله است. تحقیق حاضر در قالب رویکرد کیفی اجرا شده و داده‌های آن به روش ترکیبی (کتابخانه‌ای و مصاحبه) جمع‌آوری شده‌اند. تجزیه تحلیل داده‌ها به روش «تحلیل مضمونی» و ایجاد رابطه همبستگی میان گزاره‌های محوری صورت گرفته است. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق بیانگر این است که؛ «قاعده نفی سبیل» در هنجار اسلام‌گرایی و «تجربیات تاریخی» در هنجار استقلال‌طلبی از مهمترین و بارزترین مؤلفه‌های هویتی تأثیرگذار بر خودکفایی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشند؛ این نقش‌آفرینی از طریق ادراک نقش ملی «دولت مستقل» صورت می‌گیرد؛ رهیافت فرهنگی با محوریت نظریه سازه‌انگاری، چارچوب نظری مناسب برای تحلیل سیاست دفاعی ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی: سازه‌انگاری، هویت، سیاست دفاعی، خودکفایی دفاعی.

مقدمه

سیاست^۱ به مثابه خطمشی‌های دولت برای حکمرانی سیاسی از تعاریف مقبول برای این دانش واژه است (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۳۰-۱۲). بر این اساس، سیاست دفاعی که در ذیل سیاست عمومی و جهت تأمین یک نیاز عمومی (Brikland, ۲۰۰۱: ۲۱) و به منظور دفاع از حکمرانی سیاسی تمهید می‌گردد، از «ارکان نرم افزاری قدرت دفاعی» (زهدی، ۱۳۹۴: ۱۱) محسوب می‌شود. با اذعان به مقبولیت یافتن رویکرد مکتب کپنهاگ در فرآیند تولید و حفظ امنیت ملی کشورها (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۸ - ۱۳۸)، لیکن استمرار موضوعیت داشتن تهدید نظامی خارجی برای کشورها موجب گردیده تا ضرورت مقابله با این تهدید، همچنان در رأس اولویت‌های امنیتی دولت‌ها باشد.

غایت اصلی سیاست دفاعی در همه کشورها، تأمین امنیت وجودی است. علیرغم این غایت، نوع و روش تأمین آن در هر کشوری می‌تواند متفاوت باشد. منشاء اصلی این عدم تشابه را باید در متغیرهای داخلی و خارجی مؤثر بر این سیاست جستجو نمود. تهدید نظامی خارجی در مرکز ثقل متغیرهای خارجی تأثیرگذار بر سیاست دفاعی است و در میان عوامل داخلی، از یک سو متغیرهای کمی یا فیزیکی؛ همچون جمعیت، بودجه دفاعی، تسلیحات و تعداد نیروهای نظامی و از سوی دیگر، متغیرهای غیرفیزیکی؛ نظیر عقاید، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، تجربیات تاریخی و اندیشه‌های دفاعی رهبران در این سیاست تأثیرگذار هستند. در یک تحقیق، همه یا برخی از این متغیرها می‌توانند محور ثقل قرار گیرند. این تحقیق با ابتناء بر الگوی تک‌عاملی، تأثیر متغیر هویت بر سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را کنکاش می‌کند.

همانند اکثریت غالب حوزه‌های داخلی و خارجی، سیاست دفاعی جمهوری اسلامی نیز تغییرات چشمگیری را نسبت به دوران قبل از انقلاب اسلامی تجربه نموده است. علاوه بر غلبه بر شورش‌ها و حرکت‌های تجزیه‌طلب داخلی و ناکام گذاشتن رژیم بعثی عراق در اشغال کلی و یا جزئی سرزمین در دهه نخست استقرار، خنثی کردن تهدیدهای نظامی بالقوه و بعضاً بالفعل یک ابرقدرت فرامنطقه‌ای (آمریکا) در سال‌های اخیر از مهمترین دستاوردهای سیاست دفاعی این کشور به شمار می‌روند.

برابر نظر برخی از محققان، «مفهوم پژوهی» الگویی مطلوب برای مطالعه سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران است؛ در این الگو، یک یا چند مفهوم به عنوان ایده کانونی و راهنمای تمهید سیاست دفاعی در دستور دولت قرار می‌گیرد (عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۱۷۵). بررسی پیشینه تحقیق بیانگر این است؛ دفاع همه‌جانبه^۱ مفهوم کانونی سیاست دفاعی ایران است

۱. Policy

۱. All-round Deterrence

_____ تأملی سازه‌انگارانه بر نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران ۵

(قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۳؛ عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۱۶۲) و «خودکفایی دفاعی»، «تدافعی بودن»، «مردمی بودن»، «اکتفا به سلاح‌های متعارف» و «نهضت‌گرایی» نیز از مهمترین جهت‌گیری‌های سیاست دفاعی این کشور در چهار دهه گذشته به شمار می‌روند.

با در نظر گرفتن ضرورت تحدید موضوعی تحقیق، تصوّر بر این است؛ علاوه بر متغیرهای خارجی و عوامل کمی و فیزیکی داخلی، متغیرهای هویت پایه داخلی؛ نظیر ارزش‌ها، هنجارها، عقاید، تجربیات تاریخی و اندیشه‌های دفاعی نیز در تکوین خودکفایی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار هستند. این تحقیق، بررسی نقش هویت در خودکفایی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را محور مطالعه خود قرار داده و سؤال محوری آن چنین است: هویت چه نقشی در موضوعیت یافتن خودکفایی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ این نقش‌آفرینی چگونه انجام می‌شود؟ و این نقش‌آفرینی از طریق کدام رهیافت و نظریه قابل تبیین است؟

۲ - پیشینه تحقیق

محمود عسگری و احمد آقاجانی (۱۳۹۱)، سیدحسین موسوی (۲۰۰۲)، جهانگیر کرمی (۱۳۸۴) و قاسم فولادی و وحید زارعی (۱۳۹۴) با تأکید بر متغیرهایی؛ نظیر حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مرزهای ایران، تنش‌های سیاسی و نظامی ایران با برخی دولت‌ها، محیط امنیتی خاورمیانه و مواجه شدن ایران با تهدیدات خارجی، فعال بودن ائتلاف‌های سیاسی و نظامی ضدایرانی، دشمنی با یک قدرت فرامنطقه‌ای با تأکید بر آمریکا و تجربیات دفاع مقدس به مطالعه سیاست دفاعی ایران پرداخته‌اند. در این تحقیقات، خودکفایی دفاعی با در نظر گرفتن تحولات محیطی خارجی مورد بررسی قرار گرفته و نقش متغیرهای غیرفیزیکی و به ویژه هویت به عنوان متغیر مستقل مدنظر قرار نگرفته‌اند.

۳ - چارچوب نظری تحقیق

۱-۳) مفهوم شناسی تحقیق

۱-۱-۳) **هویت**؛ ادراکی است که فرد، گروه یا دولت با استناد به منابع هویتی آن را به خارج از فضای زیست اجتماعی خویش بازتاب می‌دهد و خود را تعریف می‌کند (صالحی، ۱۳۹۱: ۲۹).

۲-۱-۳) **سیاست دفاعی**؛ چارچوبی است که به واسطه آن توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی برای مقابله با تجاوز و دفع تهدیدات نظامی خارجی به کار گرفته می‌شوند (زهدی، ۱۳۹۴: ۱۴).

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
۳-۱-۳) خودکفایی دفاعی؛ ناظر بر اتکاء به توان و ظرفیت‌های داخلی (ملی) و بدون وابستگی به خارج در تأمین تجهیزات، تسلیحات و خط‌مشی‌های دفاعی است (عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

۲-۳) نوع و روش تحقیق

از نظر نتیجه، تحقیق حاضر در ذیل تحقیقات کاربردی قرار دارد و از نظر ماهیت، در طیف تحقیقات کیفی طبقه‌بندی می‌شود. داده‌های تحقیق به روش ترکیبی؛ کتابخانه‌ای و مصاحبه استخراج شده‌اند. جامعه آماری تحقیق همه مکتوبات و صاحب‌نظران دفاعی جمهوری اسلامی ایران را شامل می‌شود. با نظر داشت رویکرد کیفی و ابزارهای داده‌کاوی و ضرورت اشباع داده‌ها در تحقیقات کیفی (سنجایی، ۱۳۸۷: ۲۱۵)، استفاده از نمونه‌ها (مکتوب و شفاهی) تا حصول به اشباع نظری ادامه داشته است.

از میان معیارهای کلیدی ارزیابی تحقیقات کیفی؛ یعنی اعتبارپذیری^۱ (واقعی بودن توصیف‌ها)، انتقال‌پذیری^۲ (تعمیم‌پذیری نتایج)، توان اطمینان^۳ (اطمینان از یافته‌ها) و تأییدپذیری^۴ (عینیت داده‌ها)، در این تحقیق اعتبارپذیری و تأییدپذیری شیوه و نتایج پژوهش که بیشترین اهمیت را در تحقیقات کیفی دارند (حریری، ۱۳۸۵: ۷۵ - ۶۴) مدنظر قرار گرفته‌اند. این دو معیار به شیوه‌های مختلف به اجرا درآمده‌اند؛ نخست، منابع مرتبط با تحقیق شناسایی و فهرست تاریخی آن‌ها فراهم شد، سپس داده‌های هر یک از متغیرها شناسایی و ثبت شدند، در ادامه تحلیل اولیه و انطباق موضوعی آنها انجام گرفت و همزمان با فیش‌برداری، موارد کمتر مرتبط حذف و در نهایت، فیش‌های حاصله در بخش‌های تحقیق جانمایی شدند. انجام مصاحبه‌ها با شناسایی سوژه کلیدی آغاز و پس از انجام هشت مصاحبه باز، اشباع نظری و کفایت داده‌ها حاصل گردید. برای افزایش اعتبار و توان اطمینان مصاحبه‌ها، در پایان هر مصاحبه نظر صاحب‌نظران در خصوص نقش متغیرهای هویتی اثرگذار بر خودکفایی دفاعی ایران اخذ گردید؛ برآیند نظر اکثریت جامعه نمونه گویای کفایت داده‌های مکتسبه بود. پس از حصول به کفایت داده‌های مفهومی، محقق به این نتیجه رسید؛ اعتبار مصاحبه و توان اطمینان این ابزار نسبت به ظرفیت داده‌کاوی تحقیق به حداکثر روایی خود نزدیک شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش «تحلیل مضمونی» گزاره‌های کلیدی (محمدنژاد عالی‌زمینی، ۱۳۹۱: ۶۷ - ۶۶)

-
۱. Credibility
 ۲. Transferability
 ۳. Dependability
 ۴. Confirmability

_____ تأملی سازه‌انگارانه بر نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران ۵
و ایجاد رابطه همبستگی میان آن‌ها انجام گرفت.

۳- ۳- تاملات نظری

۳-۳-۱) رهیافت شناسی تحقیق

جرح و تعدیل نظریات مختلف سیاست، شکل‌گیری رهیافت‌های مختلف سیاستگذاری عمومی را به دنبال داشته است؛ این رهیافت‌ها ضمن اینکه متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست را نمایان می‌سازند (Dye, ۱۹۹۵:۱۸)، همانند لنزهایی هستند که عمل سیاستگذاری را به تصویر می‌کشند (Alison, ۱۹۷۱:۱۷۲).

پیتر جان^۱ به عنوان یکی از صاحب‌نظران سیاستگذاری عمومی پس از نقد «رهیافت فرآیندی» و معرفی پنج رهیافت اصلی؛ یعنی رهیافت‌های «نهادی»، «گروهی»، «اجتماعی - اقتصادی»، «انتخاب عقلانی» و «ایده‌محور»، رهیافت جدیدی تحت عنوان «رهیافت ترکیبی» معرفی نموده است. به نظر وی، هر رهیافتی که قادر باشد متغیرهای تأثیرگذار بر «تغییر» و «ثبات» سیاست را شناسایی و «تفاوت» سیاست در دوره‌های مختلف را به تصویر بکشد، از قابلیت تحلیلی مناسبی برخوردار است (John, ۱۹۹۸:۱۶۵-۱۶۸). با همین معیارها وی به ارزیابی کیفی رهیافت‌های مختلف سیاستگذاری عمومی اقدام نموده است.

ترکیبی	ایده محور	انتخاب عقلانی	اقتصادی - اجتماعی	گروهی	نهادی	رهیافت / معیار
خوب	خوب	خوب	نسبتاً خوب	خوب	خوب	تغییر سیاست
نسبتاً خوب	خوب	نسبتاً خوب	نسبتاً خوب	ضعیف	ضعیف	ثبات سیاست
نسبتاً خوب	خوب	ضعیف	خوب	خوب	ضعیف	تفاوت سیاست
ضعیف	ضعیف	خوب	ضعیف	خوب	ضعیف	سطح سازمان
خوب	خوب	ضعیف	ضعیف	ضعیف	خوب	سطح ملی

جدول شماره ۱: ظرفیت مقایسه‌ای رهیافت‌های سیاستگذاری عمومی (John, ۱۹۹۸:۲۰۰ & ۲۰۲)

به نظر جان، از میان رهیافت‌های معرفی شده، رهیافت ایده‌محور در توضیح «تغییر»، «ثبات» و بیان «تفاوت» سیاست از ظرفیت خوبی برخوردار است. این رهیافت بر این فرض

۱. Peter John

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

تأکید دارد که: «سیاست در هر سطحی و در ارتباط با هر موضوعی برآیند باورها، عقاید و ادراک بازیگران است (John, ۱۹۹۸: ۱۴۴-۱۴۵)»؛ بنابراین، شناخت سیاست را بدون تأمل در ایده‌ها و مفاهیم کانونی امکان‌پذیر نمی‌داند. با مدنظر قرار دادن کارکرد و تسهیل‌کنندگی رهیافت‌های مطالعه سیاست و با استناد به استنباط نظری محقق از پیشینه تحقیق، برای سیاستگذاری دفاعی نیز رهیافت‌های مختلفی قابل شناسایی است؛ رهیافت «جغرافیایی»، «نهادی»، «فرهنگی»، «تهدیدمحور» و «کُل‌نگر» از مرجح‌ترین رهیافت‌های سیاستگذاری دفاعی به شمار می‌روند؛ هر یک از این رهیافت‌ها مجموعه‌ای از متغیرهای متأثر بر سیاست دفاعی را در منظومه مطالعه خود قرار می‌دهند.

با توجه به نقش فرهنگ محور بودن متغیر مستقل در این تحقیق، رهیافت فرهنگی به عنوان بنیان نظری تحقیق مدنظر قرار گرفته است؛ در این رهیافت، زیربنای اصلی تحلیل سیاست دفاعی بر ویژگی‌های فرهنگی جامعه قرار دارد. در همین راستا، هیبیز و والانس نگرش‌ها، طرز تلقی‌ها و ادراکات دولت (Heays & Vallance, ۱۹۹۷: ۱۵- ۷۶) را تأثیرگذار بر سیاست دفاعی می‌دانند، سیگال ایدئولوژی و سرگذشت تاریخی و تجربیات دفاعی ملت‌ها را منشاء این سیاست می‌داند (Segal, ۱۹۸۴: ۶-۸) و فربهرون‌اُئر نیز سیاست دفاعی را متأثر از ذهنیت و تجربه تاریخی، سنت‌ها، ارزش‌ها و هنجارها، ادراکات کشورها از خود و دیگری قلمداد می‌کند (اُئر، ۱۳۸۰: ۱۲۴ - ۱۱۱). از آنجاکه در این رهیافت متغیرهایی همچون؛ ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، باورها، تجربه تاریخی ملت‌ها بنیان مغزافزاری سیاست دفاعی محسوب می‌شوند، تمرکز بر این مؤلفه‌ها در مطالعه سیاست دفاعی می‌تواند در دستور کار محقق قرار گیرد.

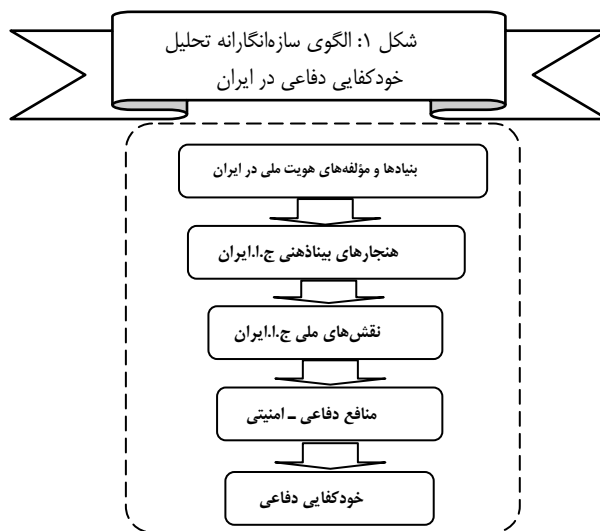
۲-۳-۳) هویت، سازه‌انگاری و خودکفایی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران

سازه‌انگاری نظریه‌ای است که برخلاف نظریات واقع‌گرایی، متغیرهای غیرمادی؛ همچون عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی را در مرکز ثقل تحلیل سیاست قرار می‌دهد. از نظر دیرینه‌شناسی، این نظریه برآیند نضج گرفتن نظریات انتقادی در علوم اجتماعی و حاصل نگرش تکوین‌گرایی در روابط بین‌الملل است که رفتار دولت‌ها را تحت تأثیر ادراک آنها از خود و دیگری می‌داند (مشیززاده، ۱۳۸۶: ۳۵۷). با اذعان به وجوه اشتراک در غایت سیاست خارجی و سیاست دفاعی در حصول امنیت وجودی کشورها (ساعد، ۱۳۸۹: ۶۷) و پیوند کارکرد این دو سیاست در سطح راهبردی با یکدیگر (Huntington, ۱۹۶۸: ۱۲۲)، چنین به نظر می‌رسد می‌توان با توسل به گونه‌ای از نظریه سازه‌انگاری به مطالعه و تحلیل سیاست دفاعی نیز اقدام نمود.

چنانکه مطرح شد، سازه‌انگاری سیاست را متأثر از نظام معنایی دولت‌ها از خود می‌داند (مشیززاده، ۱۳۸۶: ۳۵۷)، لذا دولت‌ها کنش‌گر اجتماعی به شمار می‌روند که نقش‌های خود را

تأملی سازه‌انگارانه بر نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران ۵

مطابق ساختار معنایی و ادراکی خویش در نظر می‌گیرند. از همین رو، رفتار دولت متأثر از عناصر فرهنگی و بویژه ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه است (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). در سازه‌انگاری، رابطه متقابل ساختار و کارگزار (سازمند، ۱۳۸۴: ۲۳۷)، تأثیرگذاری ساختارهای معنایی بر سیاست (Barnet, ۱۹۹۹: ۹) و ضرورت توجه به هنجارهای بیناذهنی در تحلیل سیاست (دهقانی و نوری، ۱۳۹۰: ۳۸) از مفروضات کلیدی شناخته می‌شوند. با وجود همسویی رویکردی و روشی سازه‌انگاران، لیکن از نظر معرفت‌شناختی، دو گونه سازه‌انگاری قابل تمایز است؛ «سازه‌انگاران متعارف» و «سازه‌انگاران رادیکال». سازه‌انگاران متعارف، بر شناخت‌پذیری و نقش مستقیم هویت در شکل‌گیری سیاست تأکید دارند؛ در حالیکه، سازه‌انگاران رادیکال با اعتقاد به سیال بودن هویت، شناخت و تحلیل سیاست را غیرممکن تصور می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۴). علاوه بر تفاوت معرفت‌شناختی گونه‌های اصلی سازه‌انگاری، از نظر نوع هنجارها نیز «سازه‌انگاران سطح واحد» و «سازه‌انگاران بین‌الملل‌گرا» از یکدیگر قابل تمایز هستند؛ سازه‌انگاران سطح واحد هنجارهای بیناذهنی را برآیند ارزش‌های داخلی (ملی) می‌دانند؛ لیکن سازه‌انگاران بین‌الملل‌گرا، علاوه بر ارزش‌های داخلی، ارزش‌های بین‌المللی را نیز در شکل دادن به منابع بیناذهنی دولت‌ها اثرگذار می‌دانند (هادیان، ۱۳۸۲: ۵۸). این تحقیق، نگاه سازه‌انگاران متعارف و سطح واحد را رهنمودن نظری خود قرار داده است. برابر آنچه از رویکرد نظری تحقیق طرح شد، تحلیل نقش آفرینی هویت در شکل‌گیری خودکفایی دفاعی جمهوری اسلامی ایران از طریق الگوی زیر قابل ترسیم است.



۴ - یافته‌های تحقیق

۱ - ۴) مؤلفه‌های هویت ملی و نظام معنایی جمهوری اسلامی ایران

پیشینه تاریخی دراز آهنگ و همچنین تقاطع تحولات مختلف اجتماعی با یکدیگر موجب گردیده تا ایران به عنوان جامعه‌ای برخوردار از منابع چندگانه هویتی شناخته شود. چنین شرایطی تعدد نظریات نسبت به مبادی و عناصر هویت ایرانی را به دنبال داشته است.

با اذعان به وجود دیدگاه‌های مختلف نسبت به منابع اصلی نضج گرفتن هویت در ایران، لیکن هویت ایرانی قوام گرفته از دو ذخیره فرهنگی - تمدنی بنیادین است؛ ایرانیت و اسلامیت. نتایج تحقیقات ایران‌شناسان گویای این است: ایرانیت به مثابه کهن بنیادترین مؤلفه هویت از طریق عناصری نظیر؛ زبان و خط فارسی (قرخلو، ۱۳۸۴: ۶۷)، پیشینه تاریخی مشترک (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۹)، قلمرو سرزمینی (قیصری، ۱۳۸۳: ۱۰۴)، گروه‌های مختلف قومی (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۲۰) و صناعات هنری و ادبی (نصری، ۱۳۹۰) قابل شناسایی و عینیت‌بخشی است. مؤلفه اسلامیت نیز از طریق مذهب شیعه عثنی عشری (قانون اساسی، ۱۳۷۴: ۶۲ - ۶۱)، دعوت به اسلام (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۵: ۵۸)، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۲۷ - ۱۲۶)، اعتقاد به ظهور منجی و مهدی موعود^(عج) (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۰) و باور عمیق به نهضت عاشورا (لطیف‌پور، ۱۳۷۹: ۱۶۴) صورتبندی می‌شود. لذا، ایرانیان در سطوح فردی، اجتماعی و ملی (افراد، گروه‌های اجتماعی و دولت) با استناد و تمسک بر همین مؤلفه‌ها و عناصر خود را ادارک و برای دیگران بازنمایی می‌کنند.

مطابق آنچه از کارکرد هویت در سازه‌انگاری مطرح شد، جمهوری اسلامی ایران با تمسک به همه یا اکثریت این منابع و عناصر هویت ملی و از طریق مجموعه‌ای از هنجارهای بیناذهنی، ساختار و نظام معنایی خود را شکل داده و از آن دفاع می‌کند؛ هنجارهای بیناذهنی ارزش‌های بنیادینی هستند که مرزهای «چیستی» یک واحد سیاسی به نام «دولت» را به تصویر می‌کشند. با در نظر گرفتن مبادی هویت ایرانی، برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران با تلفیق هشت مفهوم کلیدی نظام معنایی خود را صورتبندی نموده است؛ اسلام‌گرایی، استقلال‌طلبی، آرمان‌گرایی، مردمی بودن، عدالت‌خواهی / ظلم‌ستیزی، پایداری / مقاومت‌جویی، حفظ مصلحت نظام و بیگانه‌ستیزی از مهمترین هنجارهایی هستند که با جمهوری اسلامی ایران از طریق آن‌ها خود را ادراک و برای دیگران بازنمایی می‌نماید (رسولی - ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۲۰۱ - ۱۵۹). لیکن، تعمق در اسناد بالادستی (بویژه قانون اساسی) و مرور اندیشه بنیانگذار انقلاب و رهبر انقلاب اسلامی مؤید این است؛ آرمان‌گرایی، پایداری / مقاومت‌جویی و بیگانه‌ستیزی در درون سایر هنجارها مستتر هستند. لذا، مرجح‌ترین هنجارهای بیناذهنی جمهوری اسلامی در منظومه پنج ضلعی زیر قابل طرح است.

۱-۱-۴) اسلام‌گرا

اسلام‌گرایی را می‌توان عنصر اصلی قوام دهنده بر هویت در نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد (شکوری و وزیریان، ۱۳۹۸: ۱۹). اسلام‌گرایی ناظر بر این است که؛ قوانین شریعت اسلام به عنوان یک الزام سیاست‌گذاری در محور ثقل سیاست‌های نظام سیاسی قرار دارند (ایوبی، ۱۳۸۰: ۳۲). به واسطه همین الزام، اسلامیت را می‌توان مهمترین ساختار معنایی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران به شمار آورد که به صورت سلبی و ایجابی در حکمرانی سیاسی تأثیرگذار است؛ برابر اصول مصرح قانون اساسی، سیاست در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی باید منطبق و برگرفته از قوانین متعالی شریعت اسلام باشد (قانون اساسی، ۱۳۷۴)، در غیر اینصورت سیاست‌ها، رفتارها و دستاوردهای نظام سیاسی فاقد مشروعیت خواهد بود. چنین نگاهی به کارویژه سیاست در ایران، برآیند مستقیم «پیوند دین و سیاست» است که طی قرون متمادی و بویژه در قرن بیستم در قالب «اندیشه سیاسی مبتنی بر تأسیس حکومت در فقه شیعه» تکوین یافت و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی، در قالب نظام «جمهوری اسلامی ایران» به منصفه ظهور رسید. با استناد به همین هنجار معناگرایانه، جمهوری اسلامی ایران خود را دولتی معرفی می‌کند که اسلام، با قرائت شیعه عثنی عشری، بنیاد سیاست در مرکز ثقل حکمرانی سیاسی آن نهادینه شده است.

۲-۱-۴) استقلال‌طلب

تلاش برای زیست مستقل و بدور از سلطه خارجی از بارزترین تمایلات فرهنگ سیاسی ایرانیان به شمار می‌رود. شکل‌گیری و عمیق‌تر شدن این تمایل در ضمیر پنهان ایرانیان، هم متأثر از تجربیات تاریخی و فراز و فرودهای مختلف حادث شده بر ملت ایران است و هم برخی قواعد تصریحی موجود در فقه سیاسی شیعه مبنی بر ضرورت مقابله با سلطه بیگانگان در موضوعیت یافتن آن اثرگذار هستند؛ به واسطه پُررنگ بودن نقش‌های غالباً منفی بیگانگان (بخصوص دولت‌ها) در تحولات سیاسی - اجتماعی ایرانیان، «استقلال‌خواهی» تبدیل به ارزشی والا در فرهنگ سیاسی و انگیزه‌ای قوی در شکل دادن به تحولات سیاسی این کشور گردیده (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۲۱) و ضرورت بسته شدن هرگونه روزنه سلطه و نفوذ خارجی در اسلام نیز پایه‌های استدلالی آن را مستحکم ساخته است.

پیوند درونی و تفکیک ناپذیر شکل‌گیری انقلاب اسلامی با انگیزه‌های استقلال‌خواهی نهفته در فرهنگ سیاسی ایرانیان موجب گردیده تا این خواسته تبدیل به یکی از مهمترین انتظارات مردم و تکلیفی اساسی برای دولت گردد. ضرورت و جایگاه استقلال‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران به حدی بالا است که در قانون اساسی، پس از ضرورتِ «اسلام‌گرا بودن» نظام، الزام به

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ —
فراهم نمودن زمینه‌های حصول به استقلال در همه ابعاد قدرت ملی بصورت ویژه بر آن تأکید شده و دولت واجد وظایف تصریحی متعددی در این زمینه شده است. متأثر از همین هنجار، جمهوری اسلامی ایران خود را کشوری با تمایلات عمیق استقلال طلبانه ادراک می‌کند (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۰۳).

۳-۱-۴) مردمی بودن

حضور مردم در صحنه سیاست و مشارکت مردمی در فرآیند تولید قدرت سیاسی یکی از بارزترین ویژگی‌های ساخت قدرت در جمهوری اسلامی ایران است. این ویژگی ساختاری که ناظر بر «جمهوریت» نظام و دارای تفاوت ساختاری و ماهوی نسبت به ادوار سیاسی دور و نزدیک گذشته است، برآیند نقش محوری مردم در پیروزی انقلاب، تثبیت و پایدار ماندن جمهوری اسلامی در گذر از چالش‌های مختلف سیاسی و امنیتی داخلی و خارجی می‌باشد. این ویژگی متمایز جمهوری اسلامی ایران که از طریق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش و با ابزار انتخابات مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌گیرد (قانون اساسی، ۱۳۷۴)، ناشی از توسعه نظری فقه سیاسی شیعه طی قرون متمادی نسبت به «پذیرش نقش مردم در سیاست» و طی فرایندی تکاملی، تحت عنوان «مردم‌سالاری دینی» نام گرفته و در قانون اساسی نیز نهادینه شده است. بر اساس همین ویژگی ساختاری، جمهوری اسلامی خود را تنها نظام سیاسی در جهان ادراک می‌کند که در آن؛ هم اراده الهی در هدایت جامعه رعایت شده و هم اراده مردم در حکمرانی سیاسی و اداره امور کشور به منصف ظهور رسیده است.

۴-۱-۴) عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز

عدالت و مبارزه با ظلم به عنوان یکی از ارزش‌های ثنوی بشری از مهمترین جهت‌سازهای تأثیرگذار بر ماهیت سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. از نظر دیرینه‌شناسی عدالت‌ورزی و ظلم‌ستیزی در ایران، این ارزش والا از یک طرف، ریشه در اندیشه ایران باستان و ایده‌های ثنوی اهورا و اهریمن دارد و از سوی دیگر، اولویت یافتن «عدالت» در فقه شیعه و پیوند تاریخی آن با «واقعه عاشورا» تأثیرگذاری مضاعف آن بر کنش‌های سیاسی و اجتماعی ایران را به دنبال داشته است (دهقانی، ۱۳۹۱: ۹۲). متأثر از همین جایگاه، در فصول مختلف و با تأکید بیشتر در اصول دوم، سوم، نوزدهم، بیستم و یکصدوپنجاه و ششم قانون اساسی ابعاد مختلف عدالت و وظایف دولت در این زمینه تبیین شده که؛ برقراری کامل عدالت اجتماعی بین قشرهای مختلف و بویژه برای قشرهای مستضعف، عادلانه ساختن ساختار نظام بین‌المللی و دفاع از مستضعفان و مبارزه با مستکبران از محورهای اصلی آن‌ها به شمار می‌رود (قانون

_____ تأملی سازه‌انگاران بر نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران ۵

اساسی، (۱۳۷۴). بر این اساس، عدالت‌خواهی برآمده از زیست تاریخی پیش از اسلام، عدالت‌جویی نهفته در اسلام و بویژه ضرورت عدالت‌محوری و ظلم‌ستیزی موجود در تشیع، موجب غنا یافتن هر چه بیشتر این هنجار معناساز برای جمهوری اسلامی ایران گردیده است؛ ضرورت وجودی عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی برای جمهوری اسلامی ایران به سگونه‌ای است که بدون آن خود را با خلاء معنایی عمیقی مواجه خواهد دید.

۵-۱-۴) مصلحت‌سنجی برای حفظ نظام

مصلحت‌اندیشی برای حفظ موجودیت کشور و نظام سیاسی از بایسته‌های متأخر بر هنجارهای معنایی جمهوری اسلامی ایران است که در گذر از تحولات مختلف و در مواجهه با شرایط مختلف حاکم بر کشور موضوعیت یافت و طبق اصل ۱۱۲ در قانون اساسی نیز نهادینه شده است. این هنجار بر نوع خاصی از عقلانیت سیاسی اتکاء دارد؛ عقلانیت حاکم بر حفظ مصلحت نظام مبتنی بر «آرمان‌گرایی واقع‌نگر» است. در چارچوب این نوع از عقلانیت، در یک مقطع زمانی و برای حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، بر حفظ و ایستادگی بر مواضع اصولی انقلاب تأکید می‌شود؛ لیکن در شرایط دیگر و با در نظر گرفتن موقعیت زمانی و فضای حاکم بر جامعه، احتمال تغییر در سیاست‌ها وجود دارد و یا اینکه ممکن است راهبردها و تاکتیک‌های حصول به اهداف تغییر نمایند (محمدی سیرت، ۱۱ دی ۱۳۹۶). منشاء اصلی شکل‌گیری و قوام گرفتن این هنجار در نظام معنایی جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه حضرت امام (ره) پیرامون ضرورت حفظ نظام است. ایشان در فرازی از بیانات خود می‌فرمایند: «حفظ نظام جمهوری اسلامی ... از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۵۳). با تأسی از همین تأکید و با استنباط از دیدگاه حضرت امام (ره) این گزاره هنجارساز که: «حفظ نظام، اوجب واجبات است» در ادبیات سیاسی ایران مطرح و بعضاً مورد استناد برخی گُنش‌های قانونگذاری و سیاستگذاری نیز قرار گرفته است. برابر این گزاره، از آنجا که حفظ موجودیت کشور و نظام سیاسی بالاترین ضرورت است، لذا در مواجهه با برخی شرایط می‌توان نسبت به توقّف موقت برخی تعهدات و حتی اصول اولیه اسلام نیز اقدام نمود.

۲-۴) نقش‌های ملی جمهوری اسلامی ایران

برابر آنچه مطرح شد، سازه‌انگاران نقش‌آفرینی هویت در سیاست را بواسطه نقش‌هایی که دولت‌ها برای خود قائل هستند به تصویر می‌کشند (دهقانی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۴۵)؛ نقش‌های ملی که متأثر از هنجارهای بیناذهنی دولت‌ها شکل می‌گیرند، وظایف و کارکردهایی را توضیح

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
 می‌دهند که دولت‌ها خودشان را متعهد به انجام آن‌ها می‌دانند. هالستی که واضع اصلی نظریه
 نقش در تحلیل سیاست و روابط بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد (تخت‌روانچی و بابکان، ۱۳۹۷: ۶۹)،
 با چنین نگاهی به کارویژه نقش‌های ملی، به معرفی نقش‌های ملی مختلفی همانند؛ دولت حامی
 جنبش‌های رهایی‌بخش، عامل ضدامپریالیسم، مدافع اعتقادی خاص، دولت توسعه‌گرا، دولت
 وفادار، دولت مستقل و دولت سرمشق (هالستی، ۱۳۸۵: ۲۰۸ - ۱۹۹) اقدام نموده است. بر این
 اساس، نقش‌های ملی جمهوری اسلامی، تعاریفی هستند که طبق قانون اساسی و یا مواضع
 رهبران سیاسی، اقداماتی را که ایران در شرایط گوناگون و در ارتباط با موضوعات مختلف وفق
 آن‌ها عمل می‌کند را تصویرسازی می‌کنند (دهقانی، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

تأمل در منابع اصلی سیاستگذاری بیان‌گر این است: دولت حامی، دولت مستقل و دولت
 سرمشق بیشترین همسویی معنایی را با انگیزه‌های جمهوری اسلامی ایران دارند. با مدنظر قرار
 دادن هنجارهای بین‌ذهنی و علایق جمهوری اسلامی ایران، «دولت سرمشق» را می‌توان
 محوری‌ترین نقش ملی قابل تعریف برای این کشور قلمداد کرد؛ زیرا همه هنجارهای بین‌ذهنی
 حاکم بر نظام معنایی جمهوری اسلامی در تبدیل نمودن این کشور به الگویی نمونه و سرمشق
 نزد سایر ملت‌ها و کشورها نقش‌آفرین هستند. این نقش ملی از طریق دو نقش ملی دیگر؛ یعنی
 «دولت مستقل» و «دولت حامی» تحیکم و بر غنای آن افزوده می‌شود.

۳ - ۴) منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

منافع ملی، والاترین ارزش و غایی‌ترین اهداف دولت‌ها در داخل و خارج را ترسیم می‌کند
 (دهقانی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). با توجه به تعدد و تنوع ارزش‌های مبنایی مورد نظر دولت‌ها، گونه‌های
 مختلفی از منافع ملی مطرح و در تحقیقات و مطالعات سیاسی و امنیتی به کار گرفته شده است
 (Sunderman, ۱۹۹۷ و Osgood, ۱۹۵۳). در این تحقیق، تقسیم‌بندی چهار بُعدی دونالد
 نیکترلین^۱ از منافع ملی (منافع دفاعی - امنیتی، منافع ایدئولوژیک، منافع اقتصادی و منافع
 معطوف به نظم جهانی (دهقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۶ - ۱۴۳) به عنوان راهنمای شناسایی منافع ملی
 جمهوری اسلامی مدنظر قرار گرفته است؛ منافع دفاعی - امنیتی، حراست از قلمرو سرزمینی و
 حفظ موجودیت کشور و نظام سیاسی را صورت‌بندی می‌کند؛ منافع ایدئولوژیک، گسترش
 مرزهای هویتی کشور را بازتاب می‌دهد؛ منافع اقتصادی با بهبود وضعیت رفاهی مردم مرتبط
 است و منافع معطوف به نظم جهانی نیز با شرایط مطلوب مورد نظر در ساختار قدرت جهانی
 پیوند دارد. از نظر اولویت‌بندی، منافع وجودی (دفاعی - امنیتی) در محور ثقل این منافع قرار

۱. D.E Nechterlein

_____ تأملی سازه‌انگارانه بر نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران ۵

دارد و منافع حیاتی (ایدئولوژیک)، مهم (اقتصادی) و حاشیه‌ای (نظم جهانی) به ترتیب در سطوح پایین هرم منافع ملی قرار می‌گیرند (دهقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۷ - ۱۴۶).

طبق این تعریف، هدف اصلی سیاست دفاعی و جهت‌گیری‌های اصلی آن تأمین منافع دفاعی - امنیتی کشورها است، لذا در هسته مرکزی اولویت‌ها و ضرورت‌های وجودی دولت‌ها و از جمله جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. از آنجاکه خودکفایی دفاعی پیوند عمیقی با منافع دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد و از مهمترین پیش شرط‌های تأمین امنیت وجودی به شمار می‌رود، لذا در زمره والاترین ارزش‌های ملی تعریف می‌شود؛ در کشورهایی مثل جمهوری اسلامی که خودکفایی را به عنوان الگوی اصلی تأمین اقلام دفاعی انتخاب کنند، ممکن است حتی هزینه‌های مادی و معنوی زیادی نیز برای آن تقبل نمایند.

۵- تجزیه تحلیل داده‌ها: هویت و خودکفایی دفاعی در جمهوری اسلامی

ایران

تلاش حداکثری برای تأمین تسلیحات دفاعی در داخل و عدم وابستگی به خارج از جهت گیری‌های اصلی سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران است؛ نداشتن هرگونه پیوستگی به قدرت‌های خارجی و پیرومحور نبودن در ترسیم خطوط کلان دفاعی و همچنین پیروی از «الگوی تأمین از داخل» در تهیه تجهیزات دفاعی (عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۱۵۰ - ۱۴۶) از نقاط ثقل این جهت‌گیری به شمار می‌روند. مصادیق عینی این سیاست در موضوعاتی؛ همچون خروج جمهوری اسلامی ایران از پیمان‌های دفاعی دو یا چندجانبه بعد از انقلاب و لغو کامل قراردادهای دفاعی با کشورهای خارجی نظیر «قرارداد دفاعی ایران و آمریکا»، فسخ فصول پنجم و ششم عهدنامه‌های مودت ۱۹۲۱م. ایران با شوروی و نیز حرکت برای حصول به خودکفایی در تهیه تجهیزات و تسلیحات از طریق ایجاد «جهاد خودکفایی» در سازمان‌های نیروهای مسلح و دستاوردهای برجسته در زمینه طراحی، ساخت و تولید بخش عمده‌ای از نیازهای راهبردی و کلیدی بخش دفاع قابل رصد است.

در شکل‌گیری و اهمیت یافتن هنجار استقلال‌طلبی در نظام معنایی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و تبدیل شدن آن به منبعی برای نضج گرفتن برخی خطوط کلی در سیاست دفاعی این کشور، مجموعه‌ای در هم تنیده از عناصر هویت ملی اثرگذار هستند که؛ جبر جغرافیایی و تجربیات تاریخی ناشی از آن و شکل‌گیری نگرش توأم با بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به بیگانگان که برآیند تغییرات فروکاهنده مرزهای قلمرو سرزمینی تا پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد و همچنین تأکید بر ضرورت بستن روزنه‌های نفوذ و استیلای خارجی در منابع دینی، متغیرهای هویتی مهمی در این زمینه به شمار می‌روند. زیرا، تلاش قدرت‌های خارجی

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

برای انتزاع سرزمینی و یا اعمال سلطه سیاسی بر ایران در ادوار مختلف تاریخ موجب شکل‌گیری و تقویت بیگانه‌هراسی، بیگانه‌ستیزی و بدبینی مضاعف نسبت به نیت، اراده و سیاست بیگانگان (خلجی، ۱۳۹۴: ۸۲ - ۸۱) و نقش بستن استقلال‌طلبی در فرهنگ سیاسی ایرانیان گردیده (رحیمی (روشن)، ۲۹ مهر ۱۳۹۶) و آن را تبدیل به یکی از انگیزه‌های محوری گُنش‌های سیاسی مردم در راستای تغییر نظام‌های سیاسی نموده است؛ انگیزه‌ای که در فرآیند شکل‌گیری انقلاب اسلامی تبدیل به یک آرمان اساسی گردید (خلجی، ۵ آذر ۱۳۹۶). قرار گرفتن «استقلال» در رأس شعار محوری انقلاب اسلامی (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) مؤید همین روند درونی‌سازی این هنجار نزد ایرانیان است.

۵-۱) تجربیات تاریخی؛ نقش تحولات عارضی تاریخ بر خودکفایی دفاعی

در جمهوری اسلامی ایران

موقعیت خاص و منحصر به فرد جغرافیایی ایران و واقع شدن آن در چهارراه ارتباطی جهان موجب گردیده تا مؤلفه جغرافیایی هویت در شکل دادن به تحولات و تجربیات تاریخی ایرانیان نقش کلیدی ایفا نماید. زیرا تاریخ ایران مملو از حوادث تلخ و دردناکی است که قدرت‌های خارجی در شکل‌گیری آن‌ها نقش تعیین‌کننده داشته‌اند؛ فقدان این ویژگی جغرافیایی موجب شکل‌گیری تجربیات تاریخی دیگری در ایران می‌گردید که امکان داشت استقلال‌خواهی و متأثر از آن، ضرورت خودکفایی دفاعی شکل نگیرد و یا چندان در اولویت نباشد (احدی، ۲۸ بهمن ۱۳۹۶). بنابراین عنصر جغرافیایی و تاریخی هویت را باید به مثابه بستر ساز تحولات و تجربیات تاریخی دفاع در ایران در نظر گرفت که منشاء نقش‌آفرینی تعیین‌کننده برای موضوعیت یافتن خودکفایی در سیاست دفاعی این کشور است.

تعدد و تکرار حوادث و رخداد‌های عمدتاً ناخوشایند تاریخی در ایران موجب ایجاد نوعی ذهنیت منفی و عدم اعتماد شدید نسبت به نقش قدرت‌های خارجی و تمایل جامعه نسبت به زیست مستقل سیاسی و توجه بیشتر به ظرفیت و توانمندی‌های داخلی نزد برخی از نخبگان و رهبران سیاسی ایرانی را به دنبال داشته است (درستی، ۳۰ بهمن ۱۳۹۶)؛ اثرگذاری جغرافیا بر تحولات و تجربیات تاریخی در «دوره تاریخی نزدیک» بیش از «ادوار تاریخی دور» که دوران اولیه اسلامی و قبل از اسلام را شامل می‌شود، در شکل دادن به انگیزه استقلال‌طلبی اثرگذار بوده است. زیرا، تقریباً از آغاز دوره قاجار، موقعیت خاص جغرافیایی و ظرفیت‌های طبیعت‌بنیاد (انرژی / معادن) نهفته در آن موجب گردیده تا ایران به صورت مستمر مورد توجه و طمع قدرت‌های خارجی قرار گیرد. از دست رفتن گستره وسیعی از سرزمین‌های ایران در مناطق پیرامونی شرق، شمال شرقی و غربی و بعضاً جنوب تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، واگذاری

_____ تأملی سازه‌انگاران بر نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران ۵

امتیازات گسترده اقتصادی به بیگانگان، تقسیم ایران به مناطق نفوذ قدرت‌های خارجی، نادیده انگاشتن بی‌طرفی ایران در دو جنگ جهانی و پیامدهای منفی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی این نقض‌ها از مصادیق اثرگذار بودن موقعیت جغرافیایی بر رفتارهای یکسویه و یکجانبه قدرت‌های خارجی نسبت به ایران هستند که در شکل دادن به انگیزه‌ها و تمایلات استقلال‌طلبانه نقش‌آفرینی می‌کنند (روشن (رحیمی)، ۲۹ مهر ۱۳۹۶).

وجود تجربیات تاریخی منفی در حافظه تاریخی ایرانیان در نهایت موجب گردیده تا در فرآیند شکل‌گیری انقلاب اسلامی، «استقلال خواهی» تبدیل به یکی از مطالبات جدی سیاسی و اثرگذار در جهت دادن به حرکت‌های انقلابی گردد که بازتاب عینی و الزام‌آور آن در قانون اساسی به صورت آشکار و کاملاً معنادار انعکاس نهادهی یافته است (منصوری، ۵ مهر ۱۳۹۶ و احدی، ۲۸ بهمن ۱۳۹۶). در واقع، تعیین ساختاری استقلال‌خواهی در قانون اساسی، نتیجه پیرو محوری سیاسی و بویژه دفاعی - امنیتی ایران با قدرت‌های خارجی در عصر پهلوی و بویژه در عصر پهلوی دوم است. لذا، گسستن حلقه‌های وابستگی از خارج تبدیل به یکی از اولویت‌های نخست سیاسی و دفاعی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گردید؛ خارج شدن از پیمان سنتو، لغو توافقاتنامه‌های همکاری‌های دفاعی دوجانبه با خارج، لغو برخی از مفاد معاهدات دوجانبه با قدرت‌های خارجی که مغایر با هنجار استقلال‌خواهی بود و عنایت یافتن اراده معطوف به تحقق خودکفایی در عرصه دفاع از مصادیق عینی «استقلال خواهی» به شمار می‌روند.

علاوه بر تجربیات تاریخی دور و نزدیک در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و نقش مستقیم آن‌ها در نهادینه ساختن استقلال‌طلبی در قانون اساسی، یکی دیگر از مهمترین تجربیات تاریخی اثرگذار بر شکل‌گیری هنجار استقلال‌خواهی و قوام یافتن جهت‌گیری خودکفایی در سیاست دفاعی ایران، دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق بر ایران است (منصوری، ۵ مهر ۱۳۹۶)؛ زیرا، در شرایطی که نظام برآمده از انقلاب مواجه با بزرگترین تهدید خارجی امنیت وجودی گردیده بود، تقریباً کلیه حمایت‌های خارجی اثرگذار بر قدرت دفاعی خود را از دست داد. در نتیجه همین شرایط، نه تنها حمایت‌های فراگیر خارجی گذشته متوقف گردید، بلکه از ارائه کمترین کمک و انجام کوچک‌ترین پشتیبانی دفاعی از ایران برای دفع تجاوز نیز دریغ شد (رفیق دوست، در؛ محقق، ۱۳۹۳: ۴۰۳ - ۴۰۲).

بنابراین، تجربیات منفی ناشی از شکست‌ها و ناکامی‌های تاریخی تحمیل شده بر ایران در گذشته دور و عنایت یافتن این تجربیات در دوران دفاع مقدس، داشتن استقلال دفاعی و بویژه خودکفا شدن در تأمین تسلیحات و تجهیزات دفاعی به عنوان اولویت حیاتی در دستور کار سیاستگذاری دفاعی قرار گرفته است (اکرمی‌نیا، ۲۵ اسفند ۱۳۹۶). تأکید بر «ممنوعیت استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی» و تصریح بر «عدم عضویت هر فرد خارجی در ارتش» در قانون

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ —
اساسی از پیامدهای بلافصل نقش هنجار «استقلال طلبی» و نقش ملی «دولت مستقل» در
نضج گرفتن این ساخت از سیاست دفاعی ایران است. شکل‌گیری چنین هنجار سیاسی و جهت
دهنده بر رفتارهای دفاعی ایران متأثر از برخی آرمان‌هایی بود که در فرآیند شکل‌گیری و
پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در قالب شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری
اسلامی ایران» صورتبندی گردید.

۲- ۵) نفی سبیل؛ بستر دینی خودکفایی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران

در کنار نقش‌آفرینی تجربیات تاریخی ایرانیان در شکل دادن به هنجار استقلال‌خواهی و
عینیت یافتن این هنجار در «خودکفایی دفاعی»، وجود برخی قواعد دین‌بنیاد که از طریق آن‌ها
بر مسلمانان تأکید شده تا راه‌های اعمال سلطه و نفوذ خارجی را مسدود نمایند نیز در غنا
بخشیدن به این هنجار و سیاست‌دفاعی مرتبط با آن نقش‌آفرین قلمداد می‌شود.

مفسرین قرآن و صاحب‌نظران دفاعی - امنیتی ایران با استناد به برخی آیات کلام وحی بر
این نظر هستند: قاعده «نفی سبیل» مهمترین و جدی‌ترین مستند قرآنی استقلال‌خواهی در
عرصه دفاعی کشور به شمار می‌رود. این قاعده، همسویی و هم‌راستایی معناداری با مؤلفه
«پیوند دین و سیاست» در عناصر هویتی معنابخش به هنجار «اسلام‌گرایی» در جمهوری
اسلامی ایران دارد؛ زیرا کلید واژه اصلی جهت دادن به کیفیت روابط دولت اسلامی با جهان
خارج است.

در آیه ۱۴۱ سوره نساء، خداوند پس از بیان برخی ویژگی‌های فرصت‌طلبانه کافران جهت
ایجاد شکاف و تشّت در جبهه اسلام و تأکید بر ضرورت مراقبت از این رفتارها، بر مسلمانان
نویسد می‌دهد که:

«... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»

«... هیچگاه خداوند راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مسلمانان قرار نداده است»
(قرآن، نساء: آیه ۱۴۱).

مفسرین قرآن بر این نظر هستند: در این آیه خداوند به منظور ایجاد انگیزه در مسلمانان
جهت عمل به احکام و تکالیف فردی و اجتماعی اسلام برای مقابله با کافران، تأکید می‌کند که
آن‌ها (کافران) هیچگاه بر مسلمانان سلطه پیدا نخواهند کرد؛ البته این نوید وقتی محقق خواهد
شد که مسلمانان در برابر دشمن با یکدیگر متحد و همسو باشند و در پیروی و اجرای احکام
الهی کوتاهی نکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶۶). در این آیه، حرف تأکید «لَنْ» (هرگز) به
منظور نشان دادن اهمیت و میزان حساسیت این حکم صریح خداوند نسبت به ضرورت بسته
نگهداشتن روزه‌های سلطه خارجی است (منصوری، ۳ مرداد ۱۳۹۶). از آنجا که احکام و فرامین

_____ تأملی سازه‌انگاران بر نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران ۵

خداوند از طریق اراده و رفتار مسلمانان ساری و جاری می‌گردد و نظر به اینکه در شرایط کنونی بسترسازی برای زیست سیاسی و اجتماعی و امنیت‌سازی برای جامعه از وظایف ذاتی حکومت‌ها می‌باشد، لذا وظیفه ذاتی حکومت اسلامی است تا با انجام تمهیدات لازم نسبت به محقق شدن این حکم صریح خداوند اقدام نمایند.

اگر در آیه بالا، صرفاً اراده خداوند بر محقق شدن عدم سلطه کافران بر مسلمین تصریح شده و انگیزه موفقیت و پیروزی مسلمانان بر کافران نوید داده شده است، لیکن آیه ۱۴۴ سوره نساء با صراحت کامل بر ضرورت بستن همه راه‌ها و روزنه‌های نفوذ و سلطه خارجی اشاره می‌کند؛

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْيَدُنَّ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کافران را به جای مؤمنان تکیه‌گاه و دوست خود انتخاب نکنید، آیا می‌خواهید دلیل روشنی بر علیه خود در پیشگاه پروردگار درست کنید؟» (قرآن، نساء: آیه ۱۴۴).

تأمل در معنای این آیه بیان‌گر چند موضوع اساسی است: نسبت به پذیرش ولایت کافران و دشمنان اسلام هشدار داده شده؛ کافران و دشمنان فاقد صلاحیت لازم برای ولایت و سرپرستی مسلمانان قلمداد شده‌اند؛ پذیرش هرگونه سرپرستی از جانب دشمنان اسلام و کافران نوعی جبهه‌گیری در برابر خداوند متعال معرفی و این اقدام نوعی شریک قائل شدن برای خداوند تعریف گردیده است؛ رضایت مسلمانان بر پذیرش سرپرستی و ولایت دشمنان اسلام، نوعی تخلف صریح از فرامین خداوند عنوان شده که برای آن مجازات شدید الهی در نظر گرفته شده است (کیانی، ۱۰ آبان ۱۳۹۶).

براساس نظر مفسران قرآن کریم و موضوعات کلیدی مطرح شده و مقایسه آن با سایر مفاهیم نورانی کلام وحی، آیه ۱۴۴ سوره نساء بر موضعاتی تصریح دارد که پیامدهای عینی آن‌ها منجر به زیست مستقل سیاسی و اجتماعی مسلمانان می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶۷). به جهت وجود همین ابعاد هنجاری، این آیه را می‌توان مبنای اصلی قاعده «نفی سبیل» برای ممنوعیت پذیرش هرگونه سلطه و استیلا کافران بر مسلمانان قلمداد کرد.

با توجه به ماهیت سلبی و ایجابی قاعده «نفی سبیل»، وجود برخی فروعات دینی؛ همچون «تولی» و «تبری» نیز در شفاف شدن مرزهای شناختی و تحکیم بنیان آن تأثیرگذار هستند؛ «تولی» و «تبری» به عنوان فروعات تقویت‌کننده قاعده «نفی سبیل» در اسلام به شمار می‌روند؛ زیرا، خداوند از طریق این فروعات بر ضرورت نزدیکی و موذت همیشگی با مؤمنان (تولی) و دوری و امتناع همیشگی از کافران و دشمنان خداوند (تبری) تأکید می‌کند. توجه به

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

محورهای کلیدی و تجویزات موضوعی این قاعده به خوبی بیانگر این است که؛ خداوند از طریق این قواعد مسلمانان را به دوری جستن همیشگی از دشمنان و نزدیکی هر چه بیشتر به مسلمانان سفارش می‌کند. بنابراین متأثر از این قواعد دفاعی، در اسلام منع پذیرش هرگونه رابطه‌ای که منجر به اعمال سلطه و تحمیل اراده دشمنان و یا هر قدرت خارجی بر جامعه اسلامی شود تأکید شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج: ۱: ۴۶۸).

برابر آنچه از مفاد نفی سبیل در قرآن کریم و نیز فرعات تحکیم بخش این قاعده مطرح شد، فلسفه وجودی این قاعده قرآنی با «عزت» و «کرامت» مسلمانان ارتباط دارد؛ زیرا، هرگونه رابطه یکجانبه و مبتنی بر پذیرش اراده و سلطه خارجی، پیش و بیش از هر چیز دیگری، عزت، کرامت و حیثیت مسلمانان و حکومت اسلامی زیر سؤال می‌رود؛ خداوند با تأکید و تصریح بر این ممنوعیت، راه شفاف و کارگشا برای حفظ کرامت و عزت فردی و جمعی مسلمانان را نشان داده است (منصوری، ۵ مهر ۱۳۹۶ و محمدی‌سیرت ۱۱ دیماه ۱۳۹۶). بر این اساس، از آنجا که وابستگی دفاعی موجب تضعیف و تحدید اقتدار سیاسی دولت می‌گردد، لذا با طرح ایده‌های مختلف نسبت به اجتناب از قرار گرفتن دولت اسلامی در فرایند وابستگی دفاعی اقدام می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز با مبنا قرار دادن چنین بسترهای دینی نسبت به حرکت به سوی خودکفایی دفاعی در سیاست دفاعی خویش حرکت نموده است.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله شناخت نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی با تأکید بر خودکفایی دفاعی بود؛ متأثر از این هدف، سؤال اصلی آن چنین سامان یافت؛ هویت چه نقشی در موضوعیت یافتن خودکفایی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ این نقش‌آفرینی از چه طریقی انجام می‌شود؟ و با کدام رهیافت و نظریه تحلیل سیاست قابل تبیین است؟

به منظور حصول به این هدف و پاسخ به پرسش مزبور، ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر سیاست دفاعی و تمهید چارچوب نظری و تحلیلی آن که در قالب رهیافت فرهنگی و نظریه سازه‌انگاری انجام گرفت، با محور قرار دادن مؤلفه‌های دوگانه هویت ملی در ایران؛ یعنی «ایرانیت» و «اسلامیت» و تصریح بر عناصر قوام بخش آن‌ها، با اخذ نظر صاحب‌نظران، نظام معنایی و ادراکی جمهوری اسلامی ایران در قالب پنج هنجار کلیدی شامل؛ اسلام‌گرایی، استقلال‌طلبی، مردمی بودن، عدالت‌خواهی / ظلم‌ستیزی و حفظ مصلحت نظام صورتبندی شد. با استناد به الگوی «مفهوم پژوهی» در مطالعه سیاست دفاعی و با در نظر گرفتن ضرورت تحدید موضوع و با استناد به اسناد بالادستی و اندیشه دفاعی حضرت امام^(ع) و رهبر معظم انقلاب اسلامی^(مدظله‌العالی)، «خودکفایی دفاعی» به عنوان یکی از جهت‌گیری‌های اصلی سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث واقع شد.

تجزیه تحلیل یافته‌های تحقیق بیان‌گر این بود:

تجربیات تاریخی و بویژه نقش عنصر جغرافیایی هویت در شکل‌گیری احساس تعلق خاطر عمیق شکل گرفته در ذهنیت ایرانیان نسبت به استقلال‌طلبی و اهمیت زیست مستقل و نیز تأکیدات مصرح قرآن کریم نسبت به ضرورت مقابله و بسته شدن هرگونه روزنه نفوذ و استیلا خارجی موجب قوام گرفتن هنجار «استقلال‌طلبی» در منظومه ادراکی جمهوری اسلامی ایران گردیده و همین هنجار، نضج گرفتن نقش ملی «دولت مستقل» برای این کشور را به دنبال داشته است. متأثر از همین نقش ملی، حصول به «خودکفایی دفاعی» در منظومه منافع ملی دفاعی - امنیتی ایران تعریف شده و بر تحقق آن تأکید می‌شود.

از آنجا که «دولت مستقل» یکی از نقش‌های تحکیم‌کننده و قوام بخش نقش ملی «دولت سرمشق» و الگو برای سایر ملت‌ها به شمار می‌رود، لذا حصول به حداکثر خودکفایی در تأمین تسلیحات و تجهیزات دفاعی با نقش ملی محوری این کشور (دولت سرمشق) نیز پیوند درونی برقرار می‌کند؛ بنابراین، هویت به صورت همزمان واجد ظرفیت نقش‌آفرینی سلبی و ایجابی و تحکیم‌کننده در خودکفایی دفاعی جمهوری اسلامی ایران است.

با توجه به هویت‌جو و کمال‌گرا بودن جمهوری اسلامی ایران و نظر به نقش هنجارهای اصلی حاکم بر نظام معنایی در تعریف نقش‌ها و منافع ملی و سیاست‌های کلان این کشور، این

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
مقاله ضمن معرفی رهیافت‌های سیاستگذاری دفاعی به گستره ادبیات دفاعی - امنیتی، با تأسی
از «رهیافت ایده‌محور» در سیاستگذاری عمومی و «نظریه سازه‌انگاری»، «رهیافت فرهنگی» را
چارچوب نظری مناسبی برای مطالعه و تبیین سیاست دفاعی ایران با محوریت خودکفایی دفاعی
قلمداد می‌کند.

براساس نتایج حاصله و در مقام تجویز پیشنهادهای تحقیق، تقویت و استحکام هنجارهای
معنایی «اسلام‌گرایی» و «استقلال‌طلبی» می‌تواند سرلوحه سیاستگذاری فرهنگی - اجتماعی
قرار گیرد؛ برجسته‌سازی احساس تعلق جغرافیایی در فرهنگ سیاسی و ایستار ایرانیان و
همچنین توجه اساسی به کارکردهای دفاعی «قاعده نفی‌سبیل» در عمق بخشی به خودکفایی
دفاعی در متن جامعه از راهکارهای عملی مقتضی در این زمینه به شمار می‌روند. توصیه مؤکد
تحقیق این است که؛ هرگونه دور شدن از هنجار بینادهنی اسلام‌گرایی و استقلال‌طلبی یا کم
توجهی به آن‌ها، در دراز مدت سست شدن بسترهای هویتی سیاستگذاری دفاعی در ایران را به
دنبال خواهد داشت.

علاوه بر پیشنهادهای سیاستگذاری و اجرایی بالا، بررسی رابطه میان سایر هنجارهای
بینادهنی جمهوری اسلامی ایران و جهت‌گیری‌های سیاست دفاعی این کشور، می‌تواند به
عنوان موضوعات تحقیقاتی جدید در دستور کار پژوهشی مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی و اولویت
پژوهشی محققان قرار گیرد.

منابع

الف: کتاب‌ها

- قرآن کریم (۱۳۸۹)، ترجمه مهدی محمودیان، چاپ اول، قم: بیت القرآن امام علی (ع).
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۶). **مبانی سیاست**، جدول اول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات توس.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). **اصول و روش‌های پژوهش کیفی**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- خلجی، عباس (۱۳۹۴). **مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فرهنگ دفاعی**، تهران، چاپ عصر انتظار.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و نوری، وحید (۱۳۹۰). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال (۱۳۹۳). **چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی**، تهران: نشر مخاطب.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰). **هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- زهدی، یعقوب (۱۳۹۴). **سیاست دفاعی**، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- سنجایی، علیرضا (۱۳۷۸). **روش تحقیق در علم سیاست و روابط بین‌الملل**، تهران: انتشارات قومس.
- صالحی، عمران (۱۳۹۱). «**بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی**، مجبیتی مقصودی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۵). **اسلام و حقوق بین‌الملل**، تهران: نشر گنج دانش.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). **نظریه‌های امنیت؛ مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عسگری، محمود و آقاجانی، احمد (۱۳۹۱). **عوامل و ویژگی‌های سیاست دفاعی ج.ا.ایران**، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- فاضلی‌نیا، نفسیه (۱۳۸۸). «**انقلاب اسلامی و نقش مهدویت و انتظار**» در: مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ج ۲، قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
- فولادی، قاسم و زارعی، وحید (۱۳۹۴). **دفاع همه‌جانبه، رویکرد همه‌جانبه؛ مروری بر ادبیات**، چاپ اول، تهران: مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

- ♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ —
- قرخلو، مهدی (۱۳۸۴). «**حوزه جغرافیایی فرهنگ و تمدن ایران**» در: مریم صنیع اجلال، درآمدی بر فرهنگ و هویت - ایرانی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- قیصری، نورالله (۱۳۸۳). «**هویت ملی؛ مؤلفه‌ها، چگونگی پیدایش و تکوین آن**» در: گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، داود میرمحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- محمد نژادعالی زمینی، یوسف (۱۳۹۱). **شیوه نامه پژوهش و نگارش علمی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.**
- محقق، محمد حسین (۱۳۹۳). **اسرار مکتوم، تهران: نشر بیست هفت.**
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). «**خدمات متقابل ایران و اسلام**»، در: مجموعه آثار، ج ۱۴، قم: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). **تفسیر نمونه، جلدو اول و دوم، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.**
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). **صحیفه نور، ج ۱۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ه).**
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.**
- نصری، قدیر (۱۳۹۰). **مبانی هویت ایرانی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.**
- نخعی، هادی (۱۳۷۶). **توافق و تراحم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.**
- هالستی، کی‌جی (۱۳۸۵). **مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسفود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.**
- هنری لطیف‌پور، یدالله (۱۳۸۰). **فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.**

ب: مقالات فارسی:

- ایوبی، حجت الله (۱۳۸۰). «**مؤلفه‌های گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی**»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، پیش شماره ۱، بهار.
- تخت روانچی، مجید و بابکان، محمدصادق (۱۳۹۷). **تغییر مفهوم نقش ملی و اصول سیاست خارجی ژاپن: از یک دولت صلح طلب به یک دولت حافظ صلح، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۳۴، بهار.**
- فربهرون‌اُئر، آدریان (۱۳۸۰). «**سیاست دفاعی**»، ترجمه سعادت حسینی، فصلنامه مطالعات دفاعی - امنیتی، شماره ۳۶.
- قاسمی، علی اصغر و ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۹۰). «**نسبت هویت ملی و وحدت‌یابی ملی در**

_____ تأملی سازه‌انگارانه بر نقش هویت در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران ۵

- ایران»، فصلنامه راهبرد، ش ۵۹، تابستان.
- قیصری، نورالله و خضری، احسان (۱۳۹۵). «سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰). «تأثیر محیط بین‌المللی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال نهم، شماره ۳۴، بهار.
- سازمند، بهاره (۱۳۸۴). «تحلیل سازه‌انگارانه از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۲.
- ساعد، نادر (۱۳۸۹). «دییلماسی دفاعی: تأملی شناختی و کاوشی در مبادی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۳۱.
- شکوری، ابوالفضل و وزیریان، امیرحسین (۱۳۹۸). «احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷ - ۲۰۰۵)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهررضا، شماره ۳۸، بهار.
- متقی، ابراهیم، کاظمی، حجت (۱۳۸۶). «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳.
- نوری، وحید، ملکوتی، محمد (۱۳۹۱). «جایگاه عدالت‌طلبی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، شماره ۱، بهار.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲). «سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴.

ج: کتاب‌های لاتین:

- Allisson,G.T(۱۹۷۱), **Essenes of decisions**, Boston:Little Brow.
- BrikInd,Thoma(۲۰۰۱), **An introduction to the policy process: Theories, Concepts and Model of Public Policy making**, New York:M,E,Sharpe.
- Dye,Thomas.R(۱۹۹۵), **Undrestanding public Policy,(ed)**,New Jersey:Simon and Schulte company.
- Heays, Peter, & Brenda, Valance and Van Tassel (ed) (۱۹۹۴), **American Defense Policy(۷th ed)**,Baltimaore:The Johns Hopkins University press.
- Huntington,Samuel(۱۹۶۸), **Military Policy** ,in David Sills(ed),International Encyclopediaof social science, Vol ۱۰.New York: Macmillan and Free press.
- John, Peter(۱۹۹۸), **Analysing Public Policy**, London:Pinter publication.
- Segal.Gerald (۱۹۸۴), **Defense in China**,Oxford:Oxford university press.

د: مقالات لاتین:

- Barnet, Michael (۱۹۹۹), **Culture, Strategy and foreign Policy change: Israelis road to Oslo**, European Journal of International Relations, Vol, ۵.
- Mousavi, Seyed Hussein, (۲۰۰۱), **Defense Policy of The Islamic Republic of Iran**, Discourse: an Iranian quarterly, vol ۲.No.۴.
- Sonderman, F.A (۱۹۹۷), **The Concept of the national Interest**, orbi, Vol. ۲۱, No. ۱, Spring.

ه: پایگاه‌های اینترنتی:

- خامنه‌ای، سید علی (رهبر معظم انقلاب)، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۷، قابل دسترس در؛
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۱۱>

و: مصاحبه‌ها:

- احدی، محمد (۱۳۹۶)، ۲۳ و ۲۸ بهمن ۹۶، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- اکرمی‌نیا، محمد (۱۳۹۶)، ۲۵ اسفند ۹۶، تهران: دانشگاه افسری امام علی^(ع).
- درستی، احمد (۱۳۹۶)، ۳۰ بهمن و ۵ اسفند ۹۶، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- خلجی، عباس (۱۳۹۶)، ۵ آذر ۹۶، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- روشن (رحیمی)، حسن (۱۳۹۶)، ۲۹ مهر ۹۶، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- کیانی، سورنا (۱۳۹۶)، ۱۰ آبان ۹۶، تهران: مرکز مطالعات راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۶)، ۱۱ دی ۹۶، تهران: دانشگاه جامع امام حسین^(ع).
- منصوری، جواد (۱۳۹۶)، ۳ مرداد و ۵ مهر ۹۶، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.

ز: مدارک منتشر نشده (پایان نامه‌ها و گزارشات):

- اداره کل قوانین و مقررات کشور (۱۳۷۴)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نهاد ریاست جمهوری.